

از خر شیطان پیاپایین!

میثم شفیعی

عجله، کار شیطان است

گاهی عجله لازم است مثلاً وقتی که فرصتی از دست می‌رود یا کاری بر زمین می‌ماند، اما خیلی از عجله‌های ما به‌جا نیست. مثلاً هنوز وقت چیزی نرسیده و ما برای به دست آوردنش عجله می‌کنیم. یا در انجام کاری بی‌دلیل شتاب می‌کنیم تا زودتر تمام شود. همه این‌ها از آن‌جا که به نفع انسان نیست ممکن است ناشی از وسوسه‌های شیطان باشد اما یک نوع عجله دیگری هم هست که از هر نوع عجله دیگری بدتر است و دقیقاً همان عجله‌ای است که کار شیطان است؛ یعنی عجله در قضاوت کردن نسبت به دیگران، چون شیطان هم در قضاوتش درباره آدم عجله کرد و قبل از آن که ارزش آدم را بفهمد، همین که دید آدم یک موجود خاکی است، حاضر نشد او را برتر از خود بداند. چه‌بسا اگر عجله نمی‌کرد چیزهایی از این آدم می‌دید که نشانش می‌داد حقیقت از چه قرار است.

دست شیطان را از پشت بسته

البته این که کسی دست شیطان را ببندد و نگذارد کاری بکند خیلی هم خوب است اما چون معمولاً از پشت بستن دست یک نفر همراه با غافلگیری صورت می‌گیرد، باید همراه با فریب و حيله‌گری باشد و اگر کسی دست شیطان را از پشت بسته باشد پیداست بیش از شیطان فریبکار است.

این ضرب‌المثل درباره فردی به کار می‌رود که به نظر می‌رسد از شیطان هم دغل‌بازتر است و به همین دلیل بار منفی دارد و معمولاً کسی به این کار (از پشت بستن دست شیطان) افتخار نمی‌کند، اما از این بار منفی‌اش که بگذریم اگر کسی واقعاً چنین عرضه‌ای داشته باشد، به‌ویژه اگر شیطان را فریب دهد نه دیگران را باید به او دست‌مریزاد گفت.

این دسته گل شیطان است که به آب داده

روزی مردی که با شیطان رابطه‌ای بسیار صمیمانه و دوستانه داشت، خواست در



و شاگردانش بقیه را ناراحت کند برای همین از شیطان خواست که موقع جشن او و شاگردانش آنجا نباشند شیطان قبول کرد و آن شب از شهر خارج شد اما خیلی ناراحت بود که نمی‌تواند به دوست صمیمی‌اش کادو بدهد بعد به فکرش رسید دسته‌گلی تهیه کند و آن را به جوی آبی بیندازد که از وسط باغ دوستش می‌گذشت. همین کار را کرد و آب دسته‌گل را به میان جشن برد. آنجا کودکی چشمش به دسته‌گل افتاد و همین که خواست آن را از آب بگیرد با سر توی جوی آب افتاد و غرق شد خلاصه جشن دوست شیطان در یک لحظه به عزا تبدیل شد بعداً وقتی که از دوست شیطان جریان را می‌پرسیدند می‌گفت: این دسته‌گلی بود که شیطان به آب داده بود.

شما هم اگر کسی را می‌شناسید که با شیطان دوست صمیمی است حتماً قصه این ضرب‌المثل را به او یادآوری کنید.

گوش شیطان کر چشم شیطان کور

ممکن است بگویید این اصلاً ضرب‌المثل نیست. درست است. این جمله بیش‌تر شبیه به یک ورد است برای دور کردن شیطان! البته کاملاً واضح است که با این حرف‌ها شیطان نه کر می‌شود و نه کور؛ و اگر کسی واقعاً چنین توقعی داشته باشد بدجوری گرفتار خرافه است. تنها اتفاقی که با این جمله ممکن است بیفتد این است که گوینده و شنونده آن به یاد بیاورند که شیطان همیشه در کمین آن‌هاست و اگر تصمیمی گرفته‌اند یا خبر خوشی دارند، خود را بی‌نیاز از لطف و کمک خدا ندانند و احتمالاً برای همین دعا می‌کنند که گوش شیطان کر و چشمش کور باد تا از کارهای ما باخبر نشود و نتواند ضرری به آن‌ها برساند. گفتن این جمله‌ها شاید اشکال چندان نباشد اما بهتر است برای حفظ شدن از شر شیطان از کلمات و عبارتهایی استفاده کنیم که هدف اصلی یعنی پناه بردن به خدا در آن روشن‌تر باشد.

این ضرب‌المثل هم از آن مثل‌هایی است که احتمال می‌رود سازنداش از نوابغ بوده! و جا نداشته از وی پرسیده شود آخه کی خانه خودش را خراب می‌کند که شیطان بخواند خراب کند؟! خب معلوم است که شیطان هم مثل بقیه خانه خودش را خراب نمی‌کند. البته شاید گوینده این جمله منظور دیگری داشته و مثلاً می‌خواسته به حواس جمعی شیطان اشاره کند که اگر وعده‌ای می‌دهد که ظاهراً به ضرر خودش تمام می‌شود، در حقیقت این گونه نیست و خودش می‌داند چه می‌کند.

در این صورت می‌شود این ضرب‌المثل را درجایی به کار برد که طرف از سر شیطنیت به مظلوم‌نمایی و خیرخواهی و از خود گذشتگی وانمود می‌کند انگار که به خاطر دیگران دارد خانه‌اش را خراب می‌کند اما حقیقت این است که دارد خانه دیگران را خراب می‌کند.

در هر حال شما حواستان به شیطان باشد، هرچند این شیطانی که ما می‌شناسیم یکبار در اول خلقت آدم، خودش را واقعاً خانه‌خراب کرد!

شیطان‌ش را در شیشه حبس کرده

جنس شیطان به‌گونه‌ای است که در هیچ شیشه‌ای حبس نمی‌شود با این وجود برخی‌ها کاری با شیطان می‌کنند و به‌گونه‌ای زندگی می‌کنند که انگار راستی راستی شیطان را توی شیشه اسیر کرده‌اند نمی‌دانم از این آدم‌ها دیدم! اگر هم ندیده باشید حتماً کم‌وبیش سرگذشت‌ها و داستان‌هایی از آن‌ها شنیده‌اید آدم‌هایی که با تمرین و همت بالا، آن‌قدر در مخالفت با شیطان موفق بوده‌اند که شیطان در برابرشان به‌زانو آمده است! البته این ضرب‌المثل منظورش چنین مرتبه‌ای نیست و معمولاً درجایی به کار می‌رود که فردی توانسته

باشد و اختیارش را به دست شیطان نهد؛ یعنی آن‌قدر از وسوسه‌های شیطان محفوظ است که انگار شیطان را توی شیشه‌ای حبس کرده است. ناگفته نماند گاهی هم شیطان خودش را به موش‌مردگی می‌زند و طرفه فکر می‌کند شیطان را به بند کشیده یا گاهی واقعاً شیطان را در شیشه حبس کرده اما یک خطا باعث می‌شود شیشه بشکند و شیطان آزاد شود.

از خر شیطان بیا پایین!

یکی از رایج‌ترین ابزارهای شیطان برای فریب آدم، خر است! ظاهراً شیطان گله بزرگی از خران دارد که در مواقع لازم آن را در اختیار کسانی قرار می‌دهد که برای «لجاجت» به آن نیاز دارند! آدمی که بی‌دلیل و فقط از روی لجباجت بر حرفی یا کاری اصرار می‌کند از این سرویس ویژه شیطان بهره‌مند می‌شود و می‌تواند تا هر جا که دوست داشت، از آن سواری بگیرد. این خدمت شیطان کاملاً رایگان است چون برای او فایده‌ای دارد که به هزینه‌اش می‌ارزد! شیطان می‌داند که این سواری همیشگی نیست و دیر یا زود خر او با یک جست، چنان سوارش را بر زمین می‌زند که تا مدت‌ها نتواند برخیزد. علاوه بر این کسی که سوار خر لجباجت است با آن سراغ هزار جور گناه و خلاف دیگر هم می‌رود و چه سودی برای شیطان از این بیش‌تر؟ وقتی به یک لجباز گفته می‌شود: از خر شیطان بیا پایین دقیقاً معنایش این است که این خر تو را به جاهای بدی می‌برد و آخر سر هم با مخ به زمینت می‌کوبد، بیا پایین تا طوریت نشده! از این نظر می‌توان گفت: ایمنی حکم می‌کند هیچ‌وقت هوس سواری گرفتن از خر شیطان را نداشته باشیم. ●